



بالایی، شیعه شده بودند. به عبارت دیگر، هویت ملی ما «ایرانی-اسلامی» است و این دواز یکدیگر تفکیک ناپذیرند. جالب است شرم و حیا و آرم و حجاب در ایران از دیرباز، شامل مردان هم بوده چه رسد به بانوان و زنان؛ برعکس یونانی ها که هرودوت مورخ یونانی به این نکته اشاره می کند و در نقطه مقابل می گوید یونانی ها نیمه برهنه اند. همچنین هرودوت می افزاید: ایرانی ها هرگز به کشورشان به هیچ بهایی خیانت نمی کنند، برعکس یونانی ها که با مختصر پیشیزی به کشورشان خیانت می کردند. این ها از جنبه های ارزشمند هویتی ما است که البته قطره ای از دریای آن ارج و ارزها است و اسلام نیز به این داشته ها و ارزش ها اعتلای ویژه ای بخشید...

**۴. پس باید روشن کرد کسانی که به ولایت فقیه می تازند و ناقد اسلام هستند، بی گمان ایرانی نیستند این که مدعی پان ایرانیسم و آرکانیسم میهنی (باستان گرایی) و غیره باشند؟**

احسن! کسی که بگوید من ایرانی ام و اسلام را قبول ندارم و دین عربی است و... این ها شاید خوب شعار بدهند ولی در بزرگه های مهم مثل دفاع مقدس یک نفر از چنین کسانی را نمی توان در خط دفاع از مملکت دید؛ بعضا از حمله امریکا و اسرائیل غاصب به ایران دفاع هم می کنند و آرزویش را دارند؛ چنین کسی اگر عرق ملی و میهنی داشت در تصورش همچنین خطایی نمی کرد. چنین آدمی به ایران باور و اعتقادی ندارد و حاضر نیست هرگز در بزرگه ها قدمی برای کشورش بردارد.

البته باید گفت: کوتاهی هایی صورت گرفته. ما نیامدیم افتخارات و عظمت های ایران را در دوران گوناگون بازگویم و از نو روایت بکنیم و با رایه های گوناگون به مخاطبان و نسل های نو بنمایانیم. همچنین آن هجمه های شدید برای از خودبیگانگی کردن مردم و جوانان ماست و از سوی دیگر آرزوی قدرت ها در نابودی جمهوری اسلامی از رهگذر تحمیل جنگ نابود شد که به خاطر ایمان استوار مردمی بود که در جنگ بسیار نابرابر توانستند کار را پیش ببرند و سرفراز باشند. این دشمنان می دانند تا این ایمان استوار در مردم ما باشد و باورمندانه پای رهبرشان بایستند هرگز از عهده ایران برنمی آیند. هرگز در تاریخ ایران سابقه نداشته که جهان به هموردی با ما بپردازد و علیه ما اقدام های دشمنانه گوناگون بکند اما یک وجب از خاک ایران جدا نشود!

پس از جنگ تحمیلی به هدف قراردادن ایمان و باور مردم ما پرداختند و با بازنامی زرق و برق غرب به بمباران ذهن جوانان ما پرداختند و کوشیدند ایران را بانمایش آن چنانی از غرب به عنوان کشوری عقب مانده و دور افتاده از قافله تمدن معاصر جا بزنند، به خصوص که شماری خائن وطن فروش هم در آنجا به نوکری بیگانگان در این راستا می پردازند و...

لذا برای خنثی کردن چنین هجمه ها و قضاییایی باید افتخارات و عظمت های ایران را از دیرباز تاکنون بشناسانیم. وقتی وارد بنیاد ایران شناسی شدم، به خاطر تلاش دشمن برای خودباخته کردن جوانان و دورداشتن شان از هویت اصیل شان همواره پیگیر بودم تا عظمت ها و سرفرازی های ایران را از دوران باستان تا امروز به جامعه بنمایانیم و بشناسانیم و درس ایران شناسی به ویژه در مدارس تدریس شود تا با شکوفایی خودباوری شان خواه ناخواه این خودباختگی ها رنگ ببازد اما تاکنون به اهداف و آرمان ها نتوانستیم جامه عمل بپوشانیم زیرا متأسفانه برای دولتمردان و دست اندرکاران هنوز بحث بنیادین فرهنگ اولویت ندارد!

اگر خوشبینانه برخورد بکنیم باید گفت جاهلند و دچار بلاهت اند البته اگر نگوئیم خائن یا نفوذی هستند، کسانی که دم از مذاکره با امریکا می زنند زیرا امریکازمانی از سر ما دست برمی دارد که ما را نوکر خودش کرده باشد از اصول مان و استقلال مان دست شسته باشیم و... یک گاو شیرده مثل سعودی شویم. بحران سازی و تخریب علیه حکومت حقه شیعی، طبیعی است. باید هوشمندانه عمل کنیم اما متأسفانه تاکنون از نظر رسانه ای به خصوص ضعیف عمل کردیم.

**۵. کارهای ما در فضای رسانه، تا بوده معمولاً دفاعی و دفاعی و واکنشی بوده!** باید به قول معروف طلبکارانه توپ را به زمین حریف بیندازیم و فقط دفاع نکنیم و به رسایی و خوبی بتوانیم خیانت رسانه دشمن را آشکار کنیم وگرنه با موضع انفعالی و ضعیف و به قول شما با نداشتن روایت اول راستین و بدون تحلیل درست، همچنان ضربه پذیر خواهیم بود و در برابر هجمه های آنها فقط ناگزیریم دفاع کنیم.

تاکید می کنم تا وقتی که به اصول بنیادین مان پایبندیم آنها از ما دست بردار نیستند! و متأسفانه شاهدیم برخی سیاسیون کودکان ما اگر باز هم نگوئیم خائن، چه می کنند! (حتی بدتر از رجال سیاسی اواخر دوره قاجار که در پی وصل شدن و تایید گرفتن از روس و انگلیس بودند)؛ اکنون شاهد این اشقیا هستیم که حتی نمی فهمند ایران در عصر قاجار ضعیف شده و بخش های مهم و بزرگی از آن تجزیه شده بود و رجال آن دوران قاجار [اگر خوشبینانه ببینیم] با تمایل به آن دوقدرت در پی کاهش آسیب های کشور بودند که البته کارشان محض خطا بود! اما این امروز، ایران مقتدر است که خار چشم امریکا است و با این که تمام جهان علیه ما بوده نفوذ ایران حتی در حیاط خلوت امریکا یعنی امریکا لاتین به عینه دیده می شود و امریکا دار آن جا از انقلاب ما و الهام بخشی و تأثیرش در ارمان نیست زیرا این انقلاب، ضد ستم، عدالت خواه و پیگیر مبارزه با استکبار است...

در چنین فضایی چنین کسانی با ضعف و زبونی و ذلت خود سفره دل شان را برای بیگانه و دشمن باز می کنند تا عنایتی ببینند در حالی که از سوی دشمن با عنوان اینکه «امثال اینها برای گدایی ما مگر می کشند» تحقیر می شوند. رهبر معظم انقلاب اسلامی حفظه... چندسال پیش درباره اینها فرمود (نقل به مضمون): اگر شما دلیل و زیون و ترسو هستید حق ندارید این ویژگی ها را به نام ملت ایران بزنید، ملتی شجاع و آزاده و سرفراز که هرگز ذلت پذیر نبوده و نیست و گرنه در برابر این همه فشار و جنگ تحمیلی و... نزدیک به پنج دهه پایداری نمی کرد. لذا گرفتار چنین افرادی هم هستیم که به قیمت عقب نشینی از اصول، خواهان سازش با غربی ها هستند درحالی که نمی دانند به فرض با فضا سازی رسانه ای و تخریب رقبای داخلی و... با دشمن هم بسازید آنها که شما را بیش از یک کاتالیزور تاریخ مصرف دار هم به شمار آورند!

**۶. همگن بودن هویت دینی و ملی ما به ویژه تقویتش که عزت افزای ما بوده و هست...**

ایران دستکم از دوران ساسانیان، یک هویت داشته یعنی هویت ملی و دینی ما ایرانیان «توأمان» بوده است. اردشیر بابکان موسس سلسله ساسانی، یک روحانی و موبد متعبد بوده و پس از مدتی استغفا داد و کشور را به شاپور فرزندش سپرد. یعنی از دیرباز در ایران، مسأله هویت همانا دینی و فرهنگی بوده و هر دو یکی اند و دین جزو فرهنگ و فرهنگ جزو دین شده است. اسلام نیز که با استقبال ایرانیان گسترش یافت و پیش از رسمیت بخشی و تبلیغات صفویه هم البته ایرانیان با آمار

**۷. به چه معنا حافظه تاریخی داریم یا نداریم؟** برداشت من این است که رخدادهای سرنوشت سازی را تجربه کرده و از سرگذرانده ایم اما آموزه های لازم را از آن پیشامدها نگرفته ایم و در شرایط مشابه نمی دانیم باید چگونه عمل بکنیم. اگر حافظه تاریخی داشته باشیم با رخداد شرایط مشابه آمادگی لازم را خواهیم داشت؛ بله من این را قبول دارم...

**۸. شگفتا یگانه حکومت شیعی واقعا خار چشم خیلی ها است و می کشند ما را از پایبختند مثلا یک کدام از بحران ها و پیشامدهایی که سر ما آوردند می توانست کشور و حکومتی را بارها از بیخ دگرگون بکند شگفتا بنیان های ما که اگر پویا و پایا بمانند هرگز تا برپایی ملک مهدوی کم نمی آوریم ان شا...!**

درست می فرمایید؛ حکومت های شیعی آل بویه و صفویه و همدانیان شام را داشتیم اما متأسفانه متعصبان عامه هرگز نتوانستند حکومت شیعه را تحمل بکنند و بپذیرند. به شدت به دشمنی و مبارزه پرداختند. عثمانی های واقعا خبیث بیش از دشمنی با غربی ها همین خبیث ها علیه ایران شیعی موضع می گرفتند و فعالیت می کردند. نادرشاه که اعلام کرد مواردی از زمان صفویه رایج شده و مورد پسند و رضای شما نیست، آنها را در ایران ممنوع می کنیم و شما نیز شیعه را به عنوان مذهب پنجم اسلامی بپذیرید و به رسمیت بشناسید. ولی آنها نپذیرفتند و نادر به نتیجه رسید که حق با صفویه بود که درگیری با این ها را ادامه داد.

با صلاح الدین ایوبی که شیعیان اسماعیلی را در شمال افریقا کشتار کرد و برانداخت در حالی که مسیحی و یهودی در دولتش وجود داشت.

**۹. پس این یک اصل است که شیعه یعنی پیرو اسلام ناب محمدی همیشه دشمنانی دارد؟**

بله دشمنانی که نمی توانند حاکمیت یافتن شیعه را تحمل کنند از این فراتر اما حاکمیت های حقه شیعه است. دولت پیامبر از روز نخست ورود به مدینه با حرکت نفاق و توطئه هاشان درگیر بود تا رحلت ایشان اما با غصب خلافت امیرالمومنین علیه السلام دیگر جریان نفاق دیده نمی شود و فعالیتی ندارد زیرا اسلام با رحلت پیامبر و غصب خلافت از مسیر درست و اصلی اش خارج شد.

نیز وقتی حضرت علی علیه السلام به خلافت می رسد، بحران هایی پدید می آید که هرگز در دیگر دوران ها دیده نمی شود و رخ نمی دهد یا حکومت امام حسن علیه السلام بیش از چندماه نمی پاید.

جمهوری اسلامی نیز بدین گونه است زیرا از منظر اعتقادات شیعی یک حکومت حق است. من باور دارم چنانچه علیه جمهوری اسلامی احیاناً زمانی، توطئه ای شکل نگیرد باید به گمان افتاد و اذعان کرد که لابد جمهوری اسلامی از مسیر خودش خارج شده است!

ما از نخست با اقتدار عمل می کرد و متهم نمی شد که جناحی عمل می کند، در آن صورت، دیگر رئیس جمهوری که برادرش و نیز برادر معاون اولش مقصد اقتصادی بودند، جرات نمی کرد قوه قضاییه را تهدید بکند که اگر به مجازات این مجرمان خوشاوندی بپردازد، چنین و چنان خواهیم کرد! این ضعف شدید قوه قضاییه ما را نشان می دهد.

این موارد به اعتماد عمومی مردم نسبت به نظام خدشه وارد می کند. یاد باره پدیده شوم و زشت حقوق های نجومی، سال ۹۴ مقام معظم رهبری در نماز عید فطر فرمود که حقوق های نجومی به اعتماد مردم لطمه زده است، چنین کسانی باید عزل و محاکمه شوند و این دریافت ها از آنها بازپس گرفته شود.

امامتأسفانه با این که ولی امر چنین حکمی کرده بود، چندی بعد داستان کل کشور در مصاحبه ای گفت: هنوز دولت در خصوص حقوق های نجومی به ما پرونده ای تحویل نداده است! شگفتا حقوق نجومی را همان دولت پرداخت کرده، آیا می آید نورچشمی های خود را تحویل شما بدهد؟!

حضرت آقا بعد از دیداری گلایه کرده و فرمودند با این که درباره حقوق های نجومی تاکید کردم رسیدگی شود تا الان هیچ کاری صورت نگرفته. نتیجتاً در اثر این کوتاهی ها حتی سخنگوی آن دولت حتی طلبکار هم شد! و گفت اینها سرمایه کشور و ذخیره نظام اند و شما آبروشان را برده اید! به عبارتی در نتیجه نارسایی و ضعف قوه قضاییه تا کجا گستاخی های می رسد!

**۱۰. این ها به راستی رنج آور است!**

و نمی دانم آیا می شود عنوان ناامیدی بر آنها گذاشت یا خیر؟ شاید اگر من و امثال بنده دغدغه انقلاب و دستاوردهایش را نداشتیم، رنج نمی کشیدیم. ما که انقلاب را تجربه کردیم و می دانیم این انقلاب حاصل چه خون های پاکی بوده و چه زحماتی علمای عظام و مردم با عظمت و مبارز و مومن ایران اسلامی در طول تاریخ کشیده اند تا آن همه کوشش و زحمت به ثمر بنشیند که الحمدا... به ثمر نشست اما می بینیم با اهمال قوه قضاییه و فرصت طلبان خائن به مردم و نظام، چگونه اعتماد مردم گزند می بیند و... این ها برای ما درد آور است و رنج می بریم.

**۱۱. هر چند محقق کرکی بزرگوار استفاده ای کرد و در آن فرصت به توسعه و گسترش شیعه یعنی اسلام ناب محمدی در ایران پرداخت!**

ولی این که حاکمیت در دست ولی فقیه قرار بگیرد واقعا می توانست زودتر از این ها رخ بدهد که نشد و فرصت ها از بین رفت. یا در مشروطه اگر شیخ فضل...! نوری رضوان...! علیه را علما تنها نمی گذاشتند، گرفتار سیاهی دوران پهلوی نمی شدیم. نیز سال ۴۲ در خاطرات فردوست هست که مردم در ۱۵ خرداد به خیابان ریختند و ارتش شاه مستاصل شد و کنترل از دست رفت و چیزی نمانده بود کار حکومت یکسره شود اما ظهر که شد مردم خسته شدند و مثلاً به قصد نماز و ناهار پراکنده شدند لذا دوباره ارتش چیره شد. به گفته فردوست در همان ۱۵ خرداد شاه مترصد رفتن از مملکت بود اما... این ها از جمله فرصت هایی است که از دست رفت.

## برش + بزرگه های حساس تاریخی

مهم ترین بزرگه، قیام حضرت سیدالشهدا علیه السلام بود که اگر کوفیان به عهد خود با آن حضرت وفا کرده بودند، تاریخ به راستی متحول می شد و بشریت با تحقق حکومت اهل بیت علیه السلام نجات می یافت که این فرصت استثنایی از دست رفت. قیام مختار نیز می تواند یکی از این بزرگه ها باشد. فرصت خوبی بود. جنایت های بنی امیه فاش بود و استبداد یزید که مردم دیدند چگونه نفس ها را در سینه ها حبس کرده بود... با این که دیدند جنبش مختار آغاز شد و تا اندازه ای هم پیش رفت. اگر آن جامعه، بینش و درک و فهم درستی داشت و به اهل بیت رومی آورد، اوضاع دگرگون می شد؛ کمابین که مختار از طریق محمد حنفیه پیام داد بنی امیه را شکست داد و اگر شما بخواهید با زیربانی می جنگم و حاکمیت حقه را به شما وامی گذارم اما چون مردم آمادگی نداشتند و به ویژه که امام در رأس حکومتی قرار نمی گیرد که مردم با آن همگرا و متحد نباشند، امام به سوی حکومت اقبال نمی کند مگر این که مردم به سوی امام بیایند و بخواهند. در نتیجه این فرصت طلایی از بین رفت.

همچنین دوران ولایت عهدی امام رضا علیه السلام که فی المثل اگر آن همه جمعیت با امام همراهی کرده به گرد ایشان جمع می شدند، همان مردمی که در نماز مشهور «استسقاء» یا طلب باران حضور پیدا کردند یا در مسیر مرو که نیشابوریان به پیشواز امام آمدند، امام برای آن جماعت انبوه، حدیث سلسله الذهب [به معنای: زنجیره طلایی] را فرمود: کلمه «لا اله الا...» دژ استوار و گزند ناپذیر و حصین من است که هر که به این دژ درآید از کیفر من ایمنی می یابد؛ همه نوشتند و گمان بردند سخن امام پایان پذیرفته که افزودند: اما بشرط ها و شروط ها و «انا من شروط ها» یعنی می امام را حجت خدا را باید فرمانبرداری و تبعیت بکنید تا به آن دژ یا بگذرید وگرنه محال است. مردم اگر این نکته مهم را درمی یافتند و به همراهی می پرداختند، پای کار می ایستادند، تاریخ عوض می شد. موارد متعددی هست؛ از جمله با قدرت گرفتن آل بویه که شیعه از فشار رهایی می یافت اگر علمای آن دوران همانند حضرت امام خمینی زحمت... علیه ظلم دیدگاهی روشن داشتند، از آن فرصت بهره می بردند و تاریخ را دگرگون می ساختند. در عصر صفویه نیز همین طور؛ متأسفانه برخی علمای ما شیعیان که معتقدند اگر رأس هر حکومتی امام معصوم یا نائب او نباشد، آن حکومت جائز و نامشروع است اما با پدید آمدن چنان فرصتی (آل بویه و صفویه) باز می بینیم به خودشان قبولانده بودند که نمی توانند حکومت بکنند. حتی بین علما در آن دو دوره اختلاف افتاد که آیا می شود با حکومت همکاری کرد یا خیر! وقتی شاه تهماسب به محقق کرکی اعلام می کند حکومت در عصر غیاب امام زمان (علیه السلام) از آن شما است که نیابت عامه حضرت را عهده دار هستید و من به نمایندگی و از سوی شما سلطنت می کنم و...